













از دو قمر که قمر بعد از اس بود شمالی صاعده زاید بود و در ربعی دیگر که بعد از آن بود قمر روی  
 بدست و در تارسیه ن بدست شمالی باطل ناقص بود و در ربع سیم که از دست کد نشسته  
 باشد جنوبی باطل زاید بود و در ربع چهارم که بعد از آن بود قمر روی بر اس دارد و تارسیه  
 بر اس جنوبی صاعده ناقص بود و غنیه منجر را هم عرض باشد و باشد که در بعضی تقویمها عرض هر  
 کوکبی در جدولی تقویم او پانصد و اقباب را عرض بود از جهت آنکه عرض دوری است که  
 بود از راه اقباب و اقباب از راه خود دور نشود و نشانهای شمالی و جنوبی و صاعده و باطل  
 از حرف اول گرفته و نشانهای زاید و ناقص از دو حرف آخر گرفته و نشانهای ربع و دست  
 از دو حرف آخر گرفته فصل نهم در ساعات و ارتفاعات شبانه روزی را است  
 چهار قسمت کرده اند و هر یکی را ساعتی خوانند و هر ساعتی را بیست و هشت دقیقه  
 و دقیقه خوانند و در تقویم بازاء هر روزی ساعات و دقیقه آن روز بنویسند و چون از راه اقباب  
 چهار ساعت بماند که باقی ساعات و دقیقه نباشد باشد از وقت نخل اقباب  
 بگذری تا بوقت نخل اقباب بر طاقان روز افزاید و در نیمه دیگر که باطل و شب برعکس باشد  
 پس در از برین روزهای سال و کوناها ترین شهرها وقت نخل اقباب بر طاقان بود و کونا  
 ترین روزها و در از برین شهرها وقت نخل اقباب بجل و میزان شب و در برابر باشد  
 و این ساعات را ساعتی خوانند و چون هر روزی و هر شبی را جدا جدا

بدوازده قسم کنند و این ساعات را ساعات مجموع و زمانی گویند و مقدار هر ساعت  
 درازی و کوتاهی روز و شب می افزاید و می کاهد و اما ارتفاع اقباب و این مقدار بعد از آن  
 که بر زمین بگذرد و میان ظاهر و پوشیده از آسمان جدا کند و آن مقدار بدرجت و  
 دقیقه باشد و غنیش بوقت نصف النهار بود و غایت ارتفاع هر روزی  
 در تقویم بعد از جدول ساعات در جدولی جداگانه در جدولی او بنویسند و هیچ اشغ  
 از نود و درجه زیادت نشود فصل دوازدهم در نظرها و نظریه بعضی کوکب بعضی  
 اما نظرات که چون دو کوکب در یک برج و یکدیگر در یک دقیقه جمع شوند از راه  
 قران و مقارنه خوانند پس اگر آنحال میان اقباب و ماه بود از اجتماع خوانند و  
 اگر آنحال میان اقباب و یکی و یکی از کوکب منجره باشد از احتراق آن کوکب  
 گویند و چون درجه و دقیقه دو کوکب در دو برج که یکی از او برج سیم و دیگر برج باشد  
 مساوی شوند از آن پس گویند از جهت آنکه میان آن دو کوکب مدسور  
 ملک باشد و اگر یکی از آن دو برج چهارم و دیگر برج باشد از آن پس خوانند چه بعد  
 ربع ملک است و اگر یکی از آن دو برج پنجم و دیگر برج باشد از آن پس خوانند و اگر  
 یکی از آن دو برج ششم و دیگر برج باشد از آن پس خوانند و مقابله ترین را است قبل



گویند و اگر یکی از این دو برج دوم دیگر برج باشند یا ششم یا ششم یا دوازدهم میان آن دو کوکب هیچ نظر نباشد و از اینجا روشن شود که هر دو کوکب در یکس و دو و ربع و دو و ثلث باشد از هر دو جانب و یک مقابله و یک معارنه پیش نبود و جمله هشت نظر بود چنانکه درین صورت جهت مدار ماه مثال نموده میشود



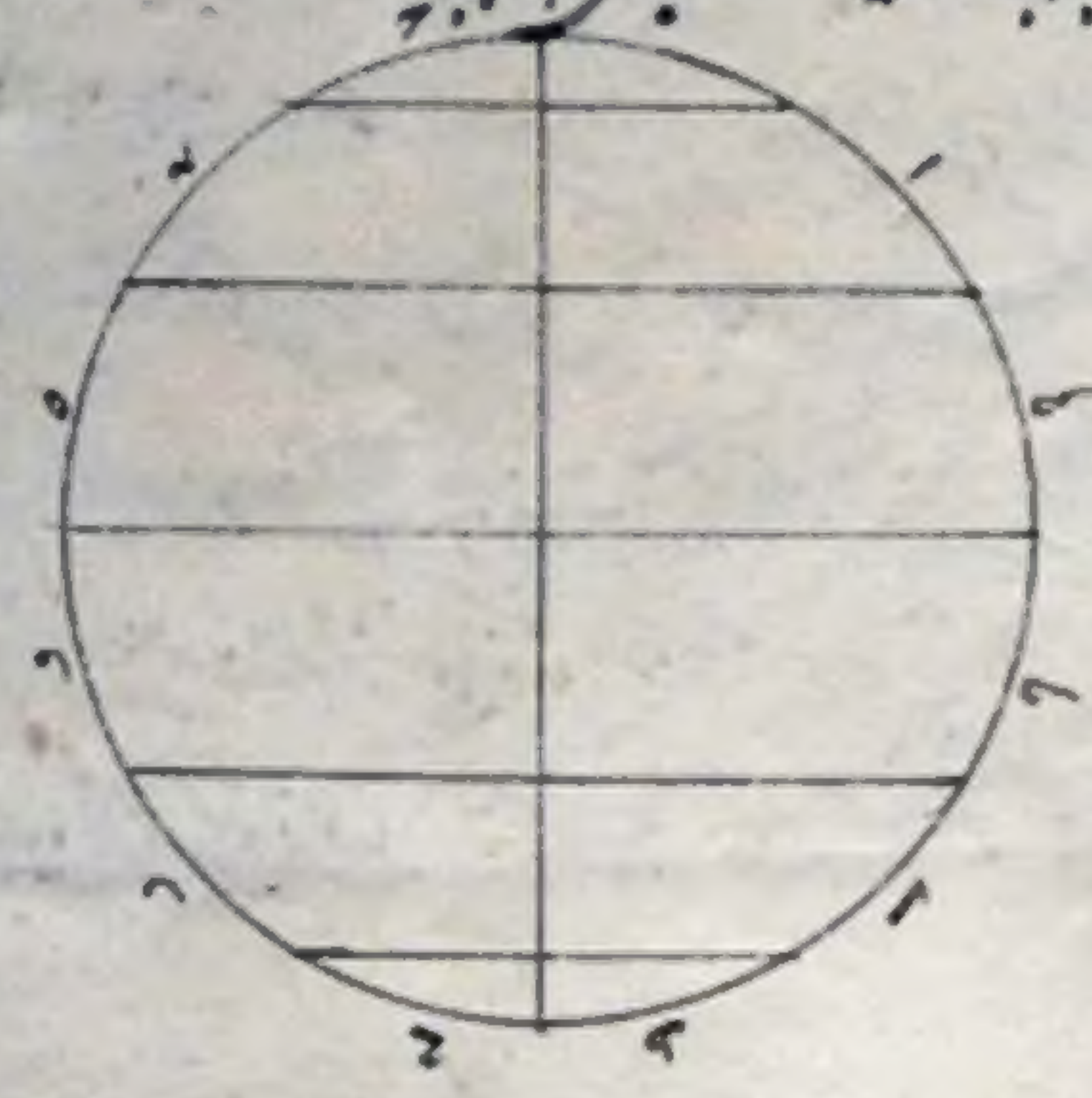
در اس و ذنب را با کوکب جز معارنه نبود و از اینجا معلوم شود که هر دو عطر در اس و ذنب جز احتراق نبود و این که در جزو ان و تدیس نبود از جهت اینکه این دو کوکب از اثناب بسیار دور نشود مانند دیگر کوکب چه زهره پیش از چند و هفت در عطر و پیش از پست و هفت در اثناب دور نشود از هر دو جانب و این از صورتی که در ظهر در قات معلوم شود و چون کوکب متوجه باشد یکی ازین نظر تا گویند متصل است و چون اتصال تمام شود و بگذرد گویند منصرف و این نظر نامی کوکب شش غیر ماه بر حاشیه تقویم بنویسند بر صفحه اول از جانب دست راست برابر هر روزی یا هر یک

در نظر

این کتاب از کتب قدیم است و در آن مطالبی در نجوم و ریاضیات آمده است که برای فهمیدن آن نیاز به تخصص دارد. این کتاب در کتابخانه ملی ایران نگهداری میشود.

که آن نظر در و افشد و از این اتصالات کجی خوانند و نام ماهها را از این چهار پنج در و ربع که در آن تواریخ مشهور بود هم در اینجا بنویسند و تحویل ستارگان از برجی میرانجا ثبت کنند

اما تا قدر و گونه بود یکی آنکه میان دو کوکب باشد که هر دو در موضع باشند که در ساعت متساوی باشند و آن در موضع بود از هر جانب سر طمان و سر صبر و در بعضی شکایکی در پست درجه ثور بود و دیگر در درجه اسد باشد چه بعد هر یک از سر طمان یک برج و ده درجه بود و آن سه صبر چهار برج و پست درجه چنانکه در این صورت نمیشود



این کتاب از کتب قدیم است و در آن مطالبی در نجوم و ریاضیات آمده است که برای فهمیدن آن نیاز به تخصص دارد. این کتاب در کتابخانه ملی ایران نگهداری میشود.







چون دولت است که هر صفت که در یک خیزد از آنکه در خانه  
نیاز که از همه مردم است و طاعتی است بفرمان که بگوید  
که خیزد و صفت است که در آن خیزد یکی است که از

پس از این سه فصل از این مبحث  
فصل چهارم در بیان فضیلت  
فصل پنجم در بیان فضیلت  
فصل ششم در بیان فضیلت

15

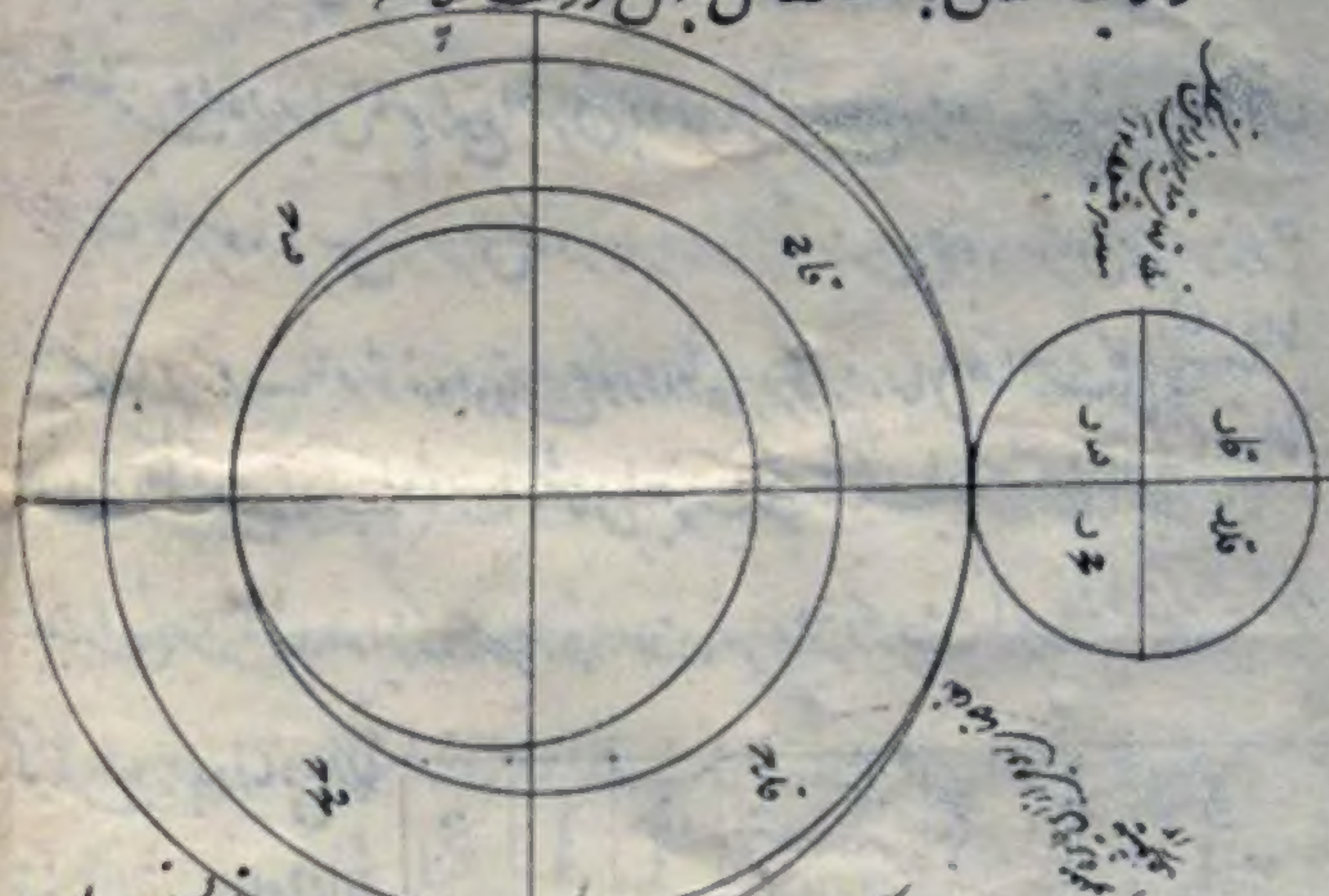
در ظهور و احضار و دیگر احوال که اگر سبب باره ساله کال علوی پس در سحران بخند روز  
در مغرب محمی شوند بعد از غروب آفتاب و بعد از احراق بخند روز در مشرق ظاهر شوند پس از  
طلوع آفتاب و احراق ایشان در میان ایام استقامت ایشان و مقابله ایشان با آفتاب در میان  
ایام رجوع باشد و رجوع ایشان در میان و غلبت آفتاب باشد و در هر دو عطار در ایام در میان ایام  
استقامت و هم در میان ایام رجوع احراق بود و در اوایل رجوع در مغرب محمی شوند و در انقضای  
در مشرق ظاهر شوند و سبب احراق که در سبب ایام استقامت بود در مشرق محمی شوند و بعد  
از احراق در مغرب ظاهر شوند و اوقات ظهور و احضار هر کوی در میان اتصالات کلی هستند و اما  
دیدن ماه و اگر که موعود غروب آفتاب در شمال یا جنوب چنانکه یک بار روشن در مغرب و یک بار در شمال  
جنبه هر ماهی نوشته باشد و این که در ظهور و احضار است نموده میشود و جهت مثال و مانند که احوال

کوکب در جبهه و لای همگان  
تقاوم ایشان دران دوازده  
ورن که کفیم هم رقم نبوسند مثلا  
چون ماه سیرج ابر بود یعنی سرد  
بر سر و طش رایه بود نبوسند  
ید و چون طشی ابر بود یعنی سرد  
بر سر و طش کمتر از رقم نبوسند

دواع	هغه	دبراند	نرږيا	بطين	منځپښ	جلاد
سماک	عوا	صرفت	زبره	طرض	نږه	منازل
بلاد	غامس	شول	اکليل	ديانا	غض	متر
رښا	مؤخر	مغلل	نخبر	معود	فانج	اينست



و چون پیش بقدر سیر و سبط بود آن درم به نوبت سبط و مقیم را مقیم و مستقیم را مستقیم و راجع را راجع  
و هر کوی چهار طاق بود در طلق اوج و چهار طاق بود در طلق تدویر و باشد که الف به نوبت  
و تا نهمی طاق اول اوجی چنین نویسد قاص و دوم را چنین قب و سیم را چنین قاص و چهارم  
را چنین قد و طاق اول تدویر را قاص و دوم را قب و سیم را قاص و چهارم را  
قد و اقباق الطاق نبود و تقی بدین صورت باشد



فصل شانزدهم در بابی آنچه در تقویم آرند در او راق و دوازده کانه بهر روزی بنویسند در باب  
اختارات که از دوازده کار را یک بود و از دوازده کار محترز باشند و ما از ابراجال با آن کنیم و پیش از او را  
ماهها طالع سال و صورت آن بپارند و در صورت طالع و رجعات خانهای و دوازده کانه را از  
بروج و مواضع کوکب و راس و ذنب در وقت تحول ثبت کنند و مواضع سهام هم بنویسند  
و سهام چندی مخفی باشد که از مواضع کوکب و خانها گیرند و از همه نوی تر سهامه العا و سیم

و در این کتاب  
در بابی که  
در تقویم  
در بابی که  
در تقویم  
در بابی که  
در تقویم

الغیب بود و پیش از صورت طالع و وقت تحول اقباق و مواضع کانه و سبط را بنویسند  
که طالع اقباق فصلها و طالعهای اضافات و استقبالات را هم صورتها نهند و صورت طالع را بکند  
خوانند و بعد از او راق ماههای خونی و کوفی که در آن سال افتاده باشد بپارند و بعضی احوال دادند  
آن کنند و طالعهای هر یک ثبت کنند و اما و یکصد و دهی که پیش از او راق ماههای و دوازده  
کانه وضع کنند حکام فصول و زمانات و احتمالات و استقبالات و جهت نوارخ و سایر دیگر  
حسابات مرقومی از شرح متنی است اینست معرفت تقویم و بعد از این آنچه به آن احتیاج باشد در  
معرفت تقویم بپارند بر سبیل اختصار فصل مقدم در خانه و مال سنه و کانه جدی و دوازده خانهای حل اند  
فوسی و حوت خانهای شری اند محل و مغرب خانهای مرغ اند نور و میزان خانهای زهر اند خور و اسد خانهای

عطار اند سرطان خانهای ماه اسد خانهای اقباق پس خانهای شیرین بال رطل و خانهای رطل و بال شیرین و خانهای  
مهر و مژگانی و بال عطار و بال مژگانی و خانهای مژگانی و بال مهر و خانهای مهر و بال مژگانی و  
راس و ذنب راس خانهای باشد در بال و  
جهت شمال و دایره نموده میشود



فصل نوزدهم در بابی که در تقویم  
تقویم اقباق و نوزدهم در بابی که در تقویم  
ماه و سیم در بابی که در تقویم  
یکم در بابی که در تقویم

در این کتاب  
در بابی که  
در تقویم  
در بابی که  
در تقویم  
در بابی که  
در تقویم

در این کتاب  
در بابی که  
در تقویم  
در بابی که  
در تقویم  
در بابی که  
در تقویم

در این کتاب  
در بابی که  
در تقویم  
در بابی که  
در تقویم  
در بابی که  
در تقویم



سرطان شرف برج در پست و هشتم درجه جدی و شرف زهره در هفتم درجه حوت شرف  
عطارد در پانزدهم درجه سنبله شرف راس در سیم درجه جوزا و شرف ثوب در سیم درجه قوس  
و برج شرف همه شرف الا انکه آن درجه قوس شمس باشد و چون از آن درجه بگذرد روی بر شمس  
نهد و بسط بر کوکبی مقابل شرف آن کوکب بود که گوئیم و گوئند که طریقه محترقه میان بسط اقیاب و بسط  
ماه بود یعنی از اول درجه نوزدهم میزان تا بادل هجده چهارم از عقرب و ازین دایره معلوم شود



شرف  
فضل نوزدهم در مثلثات و ارباب  
ایشان حمل و اسد و قوس مثلثه اثنی  
و ارباب این مثلثه بر دوازده اقیاب و  
مشرقی در حل اند برین ترتیب و

شب مشرقی را بر اقیاب مقدم دارند و نور و سنبله و جدی مثلثه خاکی اند و ارباب این مثلثه بر دوازده  
و قمر و برج باشد و شب قمر را بر زهره مقدم دارند و میزان و دلو مثلثه هوایی اند و ارباب این مثلثه  
بروز زحل و عطارد و مشرقی اند و شب عطارد را بر زحل مقدم دارند و سرطان و عقرب و حوت مثلثه  
آبی اند و ارباب این مثلثه بر دوازده و قمر و برج اند و شب قمر را بر زهره مقدم دارند و ازین جدول

صلح اوطا بوی خرم

بیل خرم بوی خرم

یا شمس







